

## بررسی تاثیر یک برنامه ی پیشگیرانه مبتنی بر رویکرد رفتاری - شناختی بر

### سازگاری زناشویی

دکتر مقصود فقیرپور

#### چکیده

این پژوهش بررسی تاثیر یک برنامه آموزشی - مشاوره ای برافزایش سازگاری زناشویی زوج ها بوده است.

به همین منظور پنج سوال پژوهشی مطرح شد. ابتدا با مطالعه منابع و الگوهای رایج و با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات فرهنگی، برنامه ی عملی تهیه گردید. این برنامه با ساختار مشخص و دارای 9 جلسه 90 دقیقه ای بوده است. در این تحقیق از طرح پیش آزمون - پس آزمون بدون گروه کنترل استفاده شد. ابزار اندازه گیری شامل دو پرسشنامه بود. یکی از پرسشنامه ها توانایی افراد را در مقوله های دانش، نگرش و رفتار اندازه گیری می کرد. پرسشنامه دیگر نیز سازگاری زناشویی را اندازه گیری میکرد. تعداد گروههای مورد مطالعه 25 گروه بودند که بطور داوطلبانه در آموزشها شرکت کرده بودند. پس از جمع آوری اطلاعات، داده ها با استفاده از روشهای آماری مورد نیاز (مقایسه ی میانگین گروههای همبسته و مستقل تجزیه و تحلیل واریانس) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های تحقیق نشان داد که اجرای برنامه ی آموزشی - مشاوره ای میزان دانش، نگرش و رفتار افراد را به طور معنی داری در زمینه های مورد مطالعه افزایش داده بود. همچنین اجرای برنامه سازگاری زناشویی افراد را بطور معنی داری افزایش داده بود. اثر گذاری برنامه برای خرده مقیاس های سازگاری زناشویی به ترتیب، رضایت زناشویی، توافق دو نفری، همبستگی دو نفری و ابراز محبت است.

**واژه های کلیدی: سازگاری زناشویی، رفتاری - شناختی، پیشگیری**

## مقدمه

خانواده اولین و کوچکترین نهاد اجتماعی است و سلامت و ثبات آن می تواند در توانایی و ثبات سایر نهادهای اجتماعی نقش موثری داشته باشد. خانواده یک واحد اجتماعی ضروری برای رشد و تحول اعضای مختلف خود و جامعه است. این نهاد اجتماعی با ازدواج شروع و با تولد فرزندان گسترش می یابد. در خانواده بسیاری از نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان تامین می گردد. خانواده، نیز مانند هر چیز دیگری دوره های حیات دارد و در فرایند تکامل خود مراحلی را طی می کند. اگر فرایند تکامل خانواده دچار وقفه شود و یا خانواده نتواند با موفقیت وارد مرحله ی بعدی خود شود، احتمال بروز علایم مرضی در کل خانواده و یا هر یک از اعضای آن وجود دارد.

با توجه به اهمیت شکل گیری ازدواج های موفق و دوام و بقای آن و نهایتاً تعادل خانواده و جامعه، بشر از دیر باز با سوالات مهمی در این زمینه روبرو بوده است؛ سوالاتی همچون این که، چگونه می توان به شکل گیری ازدواج های موفق کمک نمود؟ در پاسخ به این سوالات و سوالات مشابه دیگر، رویکردهای مختلفی مطرح شده اند که هر کدام جهت گیری ها و روش های خود را دارند، از جمله می توان به رویکردهای ساختاری، روان پویایی، ارتباطی، رفتاری، یادگیری اجتماعی و ... اشاره کرد. تحت تاثیر رویکردهای فوق برنامه ها و الگوهای پیشگیری و آموزشی متنوعی نیز مطرح شده است که این الگوها ضمن اینکه از لحاظ مبانی نظری، اهداف، فرایند و الگوی مداخله با هم تفاوت هایی دارند، اما در عین حال جنبه های مشترکی نیز با هم دارند. از جمله ی این برنامه ها می توان به برنامه ی غنی سازی ازدواج<sup>۱</sup>، تقویت رابطه<sup>۲</sup>، ارتباط زوج ها<sup>۳</sup>، برنامه پیشگیری و تقویت رابطه<sup>۴</sup> و ... اشاره کرد. در این برنامه ها بر مواردی همچون ارتباط، مذاکره، حل تعارض، خود آگاهی، تعهد و پذیرش مسئولیت، انتظارات، تقویت صمیمیت و روابط جنسی، بازسازی شناختی و ... تاکید می شود. (1)

<sup>1</sup> - marriage enrichment

<sup>2</sup> - relationship enhancement

<sup>3</sup> - Couple communication.

<sup>4</sup> - prevention and relation ship enhancement program

در مورد نقش عوامل فوق در رضایتمندی زناشویی تحقیقات زیادی انجام گرفته است که از جمله میتوان به تحقیقات یلسما<sup>۱</sup> (2) گلدنبرگ<sup>۲</sup> (3) کیتامورا<sup>۳</sup> (4) اشاره کرد. در پژوهش های دیگری نیز اثربخشی برنامه های مختلف پیشگیری مورد مطالعه قرار گرفته اند. سالیوان و برادبوری<sup>۴</sup> (5) نمونه هایی از زوج های تازه ازدواج کرده را که خدمات مشاوره ای پیش از ازدواج دریافت کرده بودند با آنهایی که مشاوره قبل از ازدواج در مورد آنها انجام نگرفته بود، مورد مقایسه قرار دادند، نتایج نشان داد که زوج های شرکت کننده از نظر مشکلات زناشویی در معرض خطر پایین تری قرار داشتند.

در یک مطالعه پیگیری چهار ساله در مورد زوج هایی که در آموزش PREP شرکت کرده بودند این نتایج بدست آمد که آنها در مقایسه با گروه کنترل ارتباط مثبت بیشتری را نشان دادند، هرچند دو گروه از نظر سازگاری زناشویی تفاوتی نداشتند (6).

در یک مطالعه دوارنا<sup>۵</sup> (7) 137 نفر از افراد متاهل را در سه نوبت مورد ارزیابی قرار داد. قبل از اجرای برنامه prep، بعد از اجرای آن برنامه و 6 تا 8 ماه پس از اجرا. تحلیل نتایج نشان داد که بیشتر شرکت کنندگان به طور معنی داری در زمینه به دست آوردن صمیمیت از برنامه سود برده بودند. پژوهش ویت کین<sup>۸</sup> (8) نیز اثر بخشی برنامه ی ارتباط زوج ها را در زمینه تقویت ارتباط و حل مساله و رضایتمندی در رابطه نشان داده است. مهدویان (9) در تحقیقی با عنوان « بررسی تاثیر آموزش ارتباط بر رضایتمندی زناشویی و سلامت روانی » 15 زوج را مورد مطالعه قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که روش آموزش ارتباط با رویکرد شناختی - رفتاری می تواند باعث افزایش رضایتمندی زناشویی شود. تحقیق نظری و نوابی نژاد (10) نیز نتایج مشابهی را نشان داده بود. با توجه به اینکه ضرورت مداخله های پیشگیرانه در زمینه ی خانواده در جامعه ی ما نیز بیش از پیش احساس می شود و این موضوع بطور جدی مورد توجه مسئولان و محققان قرار گرفته است؛ لذا لازم بود

1 - yelsma

2 - golden berg

3 - kitamura

4 - brad bury

5 - Durana

6 - Witkin

تا برنامه هایی طراحی شود و به عنوان اولین گام در جهت آموزش و پیشگیری مورد استفاده قرار گیرد و تحقیق حاضر نیز با همین منظور شروع شد.

### روش تحقیق و جامعه آماری

پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی می باشد و طرح مورد استفاده، طرح پیش آزمون- پس آزمون بدون گروه کنترل بوده است. در این طرح متغیر وابسته قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل اندازه گیری میشود. شکل زیر مراحل اجرای این طرح را نشان می دهد. روش اجرای تحقیق بدین صورت بود که ابتدا با تکیه بر مبانی نظری و تحلیل محتوای برنامه های موجود، برنامه مشاوره ای جهت پیشگیری تهیه شد و سپس با استفاده از طرح فوق به اجرا درآمد.

جامعه مورد مطالعه در این تحقیق زوجین شهر رشت بودند که بطور رسمی با هم ازدواج کرده و وارد زندگی مشترک شده بودند. این گروه ها به صورت تک جنسی (شامل زنان و مردان) بودند. روش نمونه گیری به صورت داوطلبانه بوده است. با توجه به شرایط و نحوه انجام تحقیق که به صورت شبه آزمایشی بوده، این نوع روش نمونه گیری مورد استفاده قرار گرفت. به این صورت که چون هر فردی حداقل باید در 9 جلسه آموزش گروهی (هر جلسه 90 دقیقه) شرکت می کرد و با توجه به اصول اخلاقی تحقیق، محقق موظف بود قبل از اجرای تحقیق رضایت آزمودنیها را جلب کند، لذا از نمونه گیری داوطلبانه استفاده شد. تعداد گروههای آموزشی 25 گروه بوده است که در هر گروه نیز حداقل 10 نفر شرکت کننده حضور داشتند. تعداد کل شرکت کنندگان 247 نفر بوده است که از این تعداد 219 نفر زن و 28 نفر مرد بوده است. دامنه سنی افراد شرکت کننده بین 20 الی 50 سال بوده است.

### ابزار اندازه گیری

در این تحقیق از دو نوع ابزار اندازه گیری استفاده شده است که در اینجا به توضیح هر

کدام می پردازیم:

الف- مقیاس سازگاری زناشویی<sup>۱</sup>

این مقیاس یک ابزار 32 سوالی برای ارزیابی سازگاری کلی زناشویی است و در واقع تظاهرات عینی میزان رضایتمندی را مشخص می کند. تحلیل عاملی چهار جز سازگاری را در این مقیاس جدا کرده است که عبارتند از:

رضایتمندی دو نفری<sup>۲</sup>، همبستگی دو نفری<sup>۳</sup>، توافق دو نفری<sup>۴</sup> و ابراز محبت<sup>۵</sup>.

این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ساخته شده و در پنج و شش درجه تنظیم گردیده است. نمره کل مقیاس عبارت است از مجموع کل نمرات همه سوالات که از صفر الی 151 در نوسان است و نمرات بالا نشان دهنده بهتر بودن کیفیت رابطه است. این مقیاس توسط اسپنیر<sup>۶</sup> ساخته شده و ضریب پایایی کل مقیاس با آلفای کرانباخ 96٪ بوده است. همچنین روایی آزمون با محاسبه آزمون KMO معادل 92٪ بوده است.

## ب- پرسشنامه سنجش دانش، نگرش، رفتار

این ابزار با توجه به محتوای جلسات مشاوره ای-آموزشی تهیه شده است. شکل و ساختار پرسشنامه از پرسشنامه مربوط به آینده ی آموزش برای معلمان در دانشگاه کانبرا که در آن نیز سطوح دانش ، نگرش و رفتار اندازه گیری می شد، اقتباس شده است. در پرسشنامه شاخص های مهم اندازه گیری عبارت بودند از: پذیرفتن مسئولیت، گفتگو و گوش دادن، حل تعارض، تعیین اهداف فردی، زوجی و خانوادگی، تفکرات غیرمنطقی، سبک های فرزند پروری و ویژگی های رشدی کودکان و نوجوانان.

روایی پرسشنامه با توجه به نظر متخصصان و توافق آنها بوده است و برای بدست آوردن پایایی از روش بازآزمایی استفاده شد که ضرایب بدست آمده برای دانش 0/79، نگرش 0/93 و رفتار 0/79 بوده است.

1 - Marital adjustment scale.

2 - dyadic satisfaction

3 - dyadic cohesion

4 - dyadic consensus

5 - affection expression

6 - spaniar

### یافته های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشهای آماری مناسب (آزمون t و تحلیل واریانس استفاده شد).

همانطور که در جدول زیر مشاهده میشود، میانگین سازگاری زناشویی در مرحله اول 3/66 بوده که در مرحله دوم افزایش یافته و به 4/35 رسیده است. همچنین انحراف استاندارد از 0/58 در مرحله اول به 0/45 در مرحله دوم کاهش یافته است.

جدول شماره 1: آماره های وابسته در مورد سازگاری کلی

میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	تعداد	میانگین	
0/037	0/58	247	3/66	سازگاری کل 1
0/029	0/45	247	4/35	سازگاری کل 2

اجرای آزمون t نشان داد که تفاوت معنی داری بین سازگاری زناشویی در مرحله قبل از اجرای برنامه ی مشاوره ای و پس از اجرای آن وجود داشته است و این بیانگر تاثیر آموزش بر افزایش سازگاری زناشویی می باشد.

جدول شماره 2: آزمون t در مورد سازگاری کلی

سطح داری	درجه آزادی	مقدار t	تفاوتهای زوج			
			میانگین خطا	انحراف استاندارد	میانگین	
0/000	246	-24/99	0/027	0/43	-0/68	سازگاری 1 سازگاری 2

علاوه بر اینکه میانگین نمرات سازگاری کلی افراد در مراحل قبل از آموزش و پس از آموزش مورد مقایسه قرار گرفتند، تأثیر آموزش بر هر کدام خرده ه مقیاسهای مربوط به سازگاری نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جدول زیر تفاوت میانگین های گروهها را در هر کدام از خرده مقیاسها در دو مرحله نشان می دهد.

جدول شماره 3

تعداد	میانگین پس از اجرای برنامه	میانگین قبل از اجرای برنامه	خرده مقیاسها
247	4/42	3/86	رضایت زناشویی
246	4/13	3/47	همبستگی دو نفری
246	4/13	3/47	توافق دو نفری
247	4/45	3/42	ابراز محبت

اجرای آزمون t برای هر کدام از خرده مقیاسها در دو مرحله ی قبل از اجرای برنامه و پس از اجرای برنامه تفاوت معنی داری را نشان داد<sup>0</sup> برای اینکه مشخص شود زوجین در کدامیک از خرده مقیاسهای سازگاری وضعیت بهتری دارند، چهار متغیر رضایت زناشویی، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت در مرحله پیش از آموزش مورد مقایسه قرار گرفتند<sup>0</sup>تحلیل نتایج نشان داد که بیشترین میانگین مربوط به رضایت زناشویی بوده و سپس به ترتیب توافق دو نفری، همبستگی دو نفری و در آخر ابراز محبت قرار داشت<sup>0</sup>تحلیل واریانس بین گروهها نشان داد که تفاوت در خرده مقیاسها معنی دار میباشد<sup>0</sup>

جدول شماره 4

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات
000/000	8341/54	12854/46	1	12854/461
		1/54	246	3790/090

میانگین نمرات دانش افراد در مرحله ی قبل از اجرای برنامه 1/88 می باشد که در مرحله ی پس از اجرای برنامه به 2/50 افزایش یافته است. هم چنان که در جدول زیر مشاهده میشود، تفاوت میانگین های دانش افراد در دو مرحله با احتمال 99 درصد معنی دار می باشد. بنا براین می توان نتیجه گرفت که با توجه به اطلاعات جمع آوری شده و با 99 درصد اطمینان آموزش بر اساس برنامه ی طراحی شده دانش افراد را در مقوله های مربوط به سازگاری زناشویی در جهت مثبت تغییر داده است.

جدول شماره 5: آزمون t در مورد دانش

سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	تفاوتهای زوجها در دو مرحله			دانش 1-دانش 2
			میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	
000	244	-24/46	0/25	0/39	-0/62	

میانگین نمرات نگرش در مرحله ی قبل از اجرای برنامه 2/53 میباشد که در مرحله ی دوم به 2/83 رسیده است 0 همانگونه که در جدول زیر مشاهده می شود تفاوت بین دو میانگین معنی دار است. به عبارت دیگر با احتمال 99 درصد اطمینان بین نگرش افراد در دو مرحله تفاوت معنی داری وجود دارد و اجرای برنامه نگرش افراد را در جهت مثبت تغییر داده است 0

جدول شماره 6: آزمون t در مورد نگرش

سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	تفاوتهای زوجها در دو مرحله			نگرش 1 نگرش 2
			میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	
000	246	-14/51	0/20	0/23	-0/30	

در مقوله ی رفتار نیز میانگین نمرات در مرحله ی قبل از اجرای برنامه 1/95 بوده است که این میزان به 2/50 در مرحله ی بعد از اجرای برنامه افزایش یافته است 0 اجرای آزمون t برای این تفاوت نیز معنی دار بوده است 0 یعنی میتوان نتیجه گرفت که با احتمال 99 درصد اجرای برنامه ی آموزشی وضعیت رفتاری افراد شرکت کننده را در حوزه ی سازگاری زناشویی در جهت مثبت تغییر داده است 0

جدول شماره 7: مقادیر مربوط به آزمون t در مورد رفتار

سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	تفاوتهای زوجها در مقوله رفتار			رفتار 1 رفتار 2
			میانگین خطا	انحراف استاندارد	میانگین	
000	245	-23/02	0/23	0/37	-0/55	



## نتیجه گیری و بحث

تجزیه و تحلیل های مربوط به اثر گذاری آموزشهای مشاوره ای نشان داد که این آموزشها به هر سه حوزه دانش، نگرش و رفتار افراد تأثیر داشته است و تفاوتها در هر سه حوزه معنی دار بوده است. اثر بخشی برنامه ی طراحی شده در جهت افزایش دانش میتواند بکارگیری آن را در سطح گسترده تر موجه نماید. این یافته با آنچه که در تحقیقات قبلی وجود دارد سنخیت دارد. به عنوان نمونه در پژوهشی که توسط نظری و نوایی نژاد (10) انجام گرفت، بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیر منطقی افراد در رابطه وجود داشت و در این پژوهش نیز بخشی از محتوا به حوزه ی باورهای غیر منطقی مربوط میباشد. همچنین مطالعات مارکمن (6)، هالوگ (11) و گارلند (12) تأثیر آموزشهای پیش گیرانه را در قالب الگوی prep و آموزش ارتباط نشان داده اند. بخشی از نتایج این تحقیق به تغییر نگرش افراد در نتیجه ی اجرای برنامه ی آموزشی- مشاوره ای می باشد. اگر چه در پیشینه ی تحقیقات مربوط به این حوزه مقوله های دانش، نگرش و رفتار به طور جداگانه مورد مطالعه قرار نگرفته اند و بیشتر اثر آموزشها روی مقوله ی کلی سازگاری و رضایت مندی زناشویی مورد توجه بوده است، اما می توان گفت که لازمه ی هر تغییری در حوزه ی سازگاری و رضایت مندی زناشویی، تغییر در نگرش نیز می باشد. اجرای برنامه ی آموزشی در تغییر رفتار افراد نیز مؤثر بوده است و این یافته دارای اهمیت زیادی است، زیرا بیانگر واقعیتی است که می توان عملکرد افراد را در حوزه ی زندگی زناشویی و خانواده بهبود بخشید و در واقع شکل گیری رویکردها و الگوهای مختلف پیشگیری نیز در همین راستا می باشد و به همین منظور است که برنامه های پیشگیری بیشتر بر الگوهای روانی آموزشی و افزایش مهارت و شایستگی مبتنی هستند و بر توانمندی ها و سلامتی همسران توجه دارند (1). همچنین اکثر برنامه ها در جهت گیری خودشان به حوزه ی رفتار توجه خاصی کرده اند و تمرین ، تکلیف، الگودهی، ایفای نقش و ... در فرایند آموزش بیشتر با توجه به این جهت گیری در طراحی و اجرای برنامه ها مورد تأکید قرار گرفته اند. چنین فعالیتهایی را تقریباً در اکثر برنامه های مهم موجود می توان به وضوح دید (به عنوان نمونه در PREP, CC, RE...)

یافته ی مهم دیگر در این تحقیق افزایش سازگاری زناشویی افراد شرکت کننده در آموزش بوده است: تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق مربوط به شاخص سازگاری زناشویی کلی تفاوتهایی را در افراد در دو مرحله نشان داد، (3/66 در مقابل 4/25) این تفاوت میانگین ها در سطح 1 درصد معنی دار بوده است 0 بنا بر این می توان نتیجه گرفت که با احتمال 99 درصد آموزش ها بر اساس برنامه ، سازگاری کلی افراد شرکت کننده را بهبود بخشیده است. این یافته ها نیز با نتایج پژوهش های دیگر هم‌نواپی دارد. تحقیقات گیبلین (13) در مورد اثر بخشی برنامه های RE و CC و گروههای رویارویی و درمان نما میتواند به نحوی با نتایج این پژوهش مرتبط باشد. همچنین تحقیقات مارکمن (6) و گارلند (12) نیز با این یافته سنخیت دارند.

در تجزیه و تحلیل داده ها علاوه بر بررسی تاثیر آموزش بر سازگاری زناشویی کلی، تاثیر آن بر چهار مولفه ی سازگاری (رضایت زناشویی، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت) نیز مورد مطالعه قرار گرفت. تجزیه و تحلیل یافته ها نشان داد که در هر چهار مولفه سازگاری زناشویی نیز تغییر ایجاد شده بود. همچنین برای اینکه مشخص شود که زوجین در کدامیک از مولفه ها مشکلات کمتر دارند، ابتدا میانگین هر کدام از خرده مقیاس ها در پیش آزمون محاسبه شد و سپس با استفاده از روش تجزیه و تحلیل واریانس مورد مقایسه قرار گرفتند. تفاوت بین چهار خرده مقیاس معنی دار بود و افراد شرکت کننده به ترتیب در خرده مقیاس رضایت زناشویی (3/86)، توافق دو نفری (3/66) همبستگی دو نفری (3/47) و ابراز محبت (3/42) دارای وضعیت مطلوب تری بوده اند. یافته ی اخیر می تواند بر جهت گیری برنامه های مداخله ای به نحوی تاثیرگذار باشد. از جمله اینکه به مولفه های مربوط به ابراز محبت در روابط صمیمانه و جنسی در آموزشها بیشتر پرداخته شود.

## منابع

- 1- Berger, rony. Couples theory. Printed by Edward Brothers. Lillington, NC, 1999.
- 2- Yelsma, Paul. Martial communication, adjustment and perceptual differences between happy and consoling couples. American Journal of Family therapy. American Journal of Family Therapy, 1984, 12(1): 26-36.
- 3- Goldenberg, Irene. Goldenberg, Herbert. Family therapy. 3<sup>rd</sup> edition .Brook/Cole publishing company, 1996.
- 4- Kitamura, toshinori and others. Sex differences in marital and social adjustment .Journal of social psychology. 1998, 138(1): 26-32.
- 5- Sullivan, K, y. Brodby, T, N. preventing marital dysfunction, the primacy of secondary strategies, the behavior therapist, 1996, Vol19: 19-36.
- 6- Markman, H and others. Preventing marital distress through communication and conflict management training. Journal of consulting and clinical psychology. 1993, 61(1): 70-77.
- 7- Durana, C. enhancing marital intimacy through psycho education. The pairs program. Family Journal 1997 vol. 5 no. 3 204-215.
- 8- Witkin, stanley and others. group training in marital communication. Journal of Marriage and the Family, Aug 1983, 45(3): 661-69.
- 9- مهدویان، فاطمه. بررسی تاثیر آموزش ارتباط بر رضایتمندی زناشویی و سلامت روان. انستیتو روانپزشکی تهران، 1376.
- 10- نظری، علی محمد ونوابی نژاد، شکوه. بررسی تاثیر برنامه بهبود بخشی ارتباط بر رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل، تازه ها و پژوهش های مشاوره، 1384، سال 4، شماره 13: ص 59-35.
- 11- Hahlweg, Kurt and others. Factors of behavioral marital therapy on couples communication and problem solving skills. Journal of consulting and clinical psychology. 1984, 52(4):553.

12- Garland, D, Luna, R. training married Couples in listening skills. Family relations. Family Relations, 1981; 30(2):297-306.

13- Giblin, P.S, Pringle, D, H. Sheehan, R. enrichment outcome research. A Meta analysis of premarital, marital and Family intervention. Journal of Family therapy. 1986, 11(3):257-271.

Archive of SID